**به یاد اعضای زندانی کانون نویسندگان ایران رضا خندان‌، بکتاش آبتین، کیوان باژن، گیتی پورفاضل و آرش گنجی!**

**بهرام رحمانی**

[**bahram.rehmani@gmail.com**](mailto:bahram.rehmani@gmail.com)

**آن زمان كه بنهادم سر به پای آزادی**

**دست خود زجان شستم از برای آزادی‌(فرخی یزدی)**

**مقدمه  
انتشار نظر، انتقاد و خواست‌های مدنی و سیاسی در جوامع برخوردار از آزادی بیان شیوه‌ای مرسوم است و کسی بابت آن نه تنها بازداشت که مواخذه هم نمی‌‌شود. در ایران اما این معمول‌ترین شکل آزادی بیان، این پایه‌ای‌ترین حق آدمی با دستگیری و زندان پاسخ می‌گیرد. فارغ از قضاوت در باره‌ محتوای تولیدات فرهنگی، انتشار آن حق هر شهروند است و مقابله با آن سرکوب آزادی بیان.**

**اما جمهوری اسلامی ایران، نه تنها هیچ‌گونه انتقاد و مخالفتی را تحمل نمی‌کند بلکه حتی منتقدان و مخالفان خود را زندان و شکنجه و اعدام و ترور هم می‌کند. بنابراین در حاکمیت چهل و دوساله این جمهوری جهل و جنایت، مطلقا آزادی بیان و اندیشه و فعالیت مستقل متشکل خطرناک بوده است اما با این وجود، جنبش‌های اجتماعی و بسیاری از نویسندگان، روزنامه‌نگاران، هنرمندان و هم‌چنین فعالین سیاسی و اجتماعی مرعوب این فضای رعب و وحشت و وحشی‌گری جمهوری اسلامی نشده‌اند و آگاهانه بهای این جسارت و استقامت و فعالیت پیگیر خود را نیز می‌پردازند!.**

****

**کانون نویسندگان ایران تنها تشکل نویسندگان مستقل و آزادی‌خواه و برابری‌طلب ایران است که پشت سرش بیش از نیم قرن فعالیت پرافتخار دارد. درست به دلیل همین آزادی‌خواهی و برابری‌طلبی، کانون همیشه زیر تیغ سرکوب و سانسور حکومت‌ها قرار داشته و به طبع آن نمی‌توانسته به طور پیوسته و پیگیر فعالیت کند. این گسستگیِ زمانی، فعالیت کانون را ناگزیر به سه دوره جدا از هم تقسیم کرده است: اول از ۱۳۴۷ تا ۱۳۴۹، دوم از ۱۳۵۶ تا ۱۳۶۰، و سوم از ۱۳۶۹ تا کنون.**

**اما بحث مهم‌تر و اساسی‌تر در باره کانون نویسندگان ایران نوع و ماهیت و اهداف این تشکل دموکراتیک نویسندگان و مترجمان و پژوهش‌گران است. اعتلای فرهنگی جامعه از راه دفاع پیگیر از آزادی بیان و نشر و گسترش انواع و اقسام اندیشه‌ها و عقاید، و مبارزه بی‌امان با سانسور و سرکوب برای رشد و شکوفایی فرهنگ بالنده و پیشرو همیشه در صدر اهداف کانون قرار داشته است. در راس اهداف و آرمان‌های کانون مبارزه برای آزادی بیان بی‌هیچ حصر و استثنا، نه تنها برای نویسندگان بلکه برای همگان، قرار داشته و دارد. بنابراین، کانون نویسندگان ایران در جهت رشد و بالندگی فرهنگی و اجتماعی کل جامعه تلاش می‌کند. مبارزه برای آزادی بیان و اندیشه، آن‌هم بی‌هیچ حصر و استثنا و برای همگان، یک خواست عمومی است و محدود به اعضای کانون نیست. بنابراین، به صراحت و بی‌هیچ پرده‌پوشی باید گفت کانون نویسندگان ایران تشکلی است که در دوره اختناق و در غیاب آزادی تشکل‌ها و احزاب سیاسی اجبارا بخشی از فعالیتش سیاسی است. اما تشریح سیاست متفاوت است و می‌شود برداشت‌های مختلفی کرد از این رو کانون نویسندگان کار حزبی - سیاسی و برای کسب قدرت مبارزه سیاسی نمی‌کند. به عبارت دیگر، به‌هیچ‌وجه دغدغه و مشغله کانون نویسندگان ایران بحث قدرت سیاسی و شرکت در آن نیست؟ بنابراین کانون نویسندگان ایران نه به معنای حزبی، بلکه به این معنا سیاسی است که تلاش می‌کند حاکمیت آزادی بیان و اندیشه را برای کل جامعه ایران به رسمیت بشناسد. کانون تاکنون در این راه بهای گزافی پرداخته است.**

**حکومت سلطنتی نیز نتوانسته بود وجود کانون را تحمل کند به همین دلیل بسیاری از اعضای آن را زندانی کرد و یا سانسور شدید بر تولیدات فرهنگی آن‌ها اعمال می‌نمود. در واقع، نویسندگان موسس «کانون نویسندگان ایران» به این دلیل با حکومت شاه مخالف بودند که آزادی بیان و اندیشه را شدیدا سرکوب می‌کرد. اما در مقابل حکومت شاه تلاش می‌کرد کانون نویسندگان وابسته به دربار را شکل دهد.**

**نبرد بی‌امان کانون نویسندگان ایران برای تحقق «آزادی بیان و اندیشه» در ایران**

**کانون نویسندگان ایران به طور رسمی و علنی در اردیبهشت ماه سال ۱۳۴۷ اعلام موجودیت و به عنوان نخستین تشکل فرهنگی و دموکراتیک اهل قلم شروع به فعالیت کرد.**

**این دوره از فعالیت کانون نویسندگان را می‌توان دوره اول فعالیت این کانون دانست. این نهاد روز اول اردیبهشت سال ۱۳۴۷ با امضای ۴۹ نویسنده تشکیل شد.**

**اعضای کانون نویسندگان، در فاصله سال‌های ۱۳۴۹ تا اواخر سال ۱۳۵۵ به طور پراکنده به فعالیت فرهنگی، هنری و ادبی در انجمن‌ها و محافل ادامه دادند.**

**دوره دوم فعالیت کانون نویسندگان از اواخر سال ۱۳۵۵ آغاز شد. در این سال تعدادی از اعضای قدیمی کانون و چند نفر از نویسندگان و پژوهش‌گران توافق کردند که کانون نویسندگان را دوباره فعال کنند.**

**دوره سوم فعالیت کانون از سال ۱۳۶۷ آغاز شد. در سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۷ تعدادی از اعضای کانون تن به تبعید دادند و برخی که ماندگار و یا گوشه‌نشین شدند.**

**اواخر سال ۱۳۶۹ در یک نشست غیر رسمی، طرحی با عنوان «پیش‌نویس منشور کانون نویسندگان ایران» با حضور تعدادی از شاعران، نویسندگان، مترجمان و پژوهش‌گران تدوین شد. این طرح به دلیل برخی اختلاف نظرها و فشارها مسکوت ماند تا سال ۷۳ که نامه «ما نویسنده‌ایم» منتشر شد.**

**با وجود اتفاقاتی که بعد از انتشار این نامه افتاد، کانون نویسندگان ایران ۴ آذر ماه ۱۳۷۸ نخستین مجمع عمومی دوره سوم فعالیتش را با حضور ۱۲۰ شاعر، نویسنده، مترجم و پژوهش‌گر و با پیام احمد شاملو و سیمین دانشور آغاز کرد.**

**کانون نویسندگان ایران در بیانیه‌ای که به مناسبت پنجاهمین سالگرد تاسیس آن منتشر کرده تاکید کرده که هم‌چنان در کار ستیز با سانسور است.**

**کانون نویسندگان ایران که هم‌چنان با موانع و محدودیت‌های زیادی برای فعالیت‌های خود مواجه است در یکی از بیانیه‌هایش نوشته است: «کانون نیم‌قرن پنجه در پنجه این توفان که در خیال و کارِ برکندنِ ریشه‌ آن بوده، بالیده و پیش آمده است، حوادث بسیاری پشت سر گذاشته و فراز و نشیب فراوان دیده و از خیل دام‌های ریز و درشت جست‌و‌جو اکنون این‌جاست، در نخستین روز از اردیبهشت ۱۳۹۷، روز پنجاه‌ سالگی‌اش؛ هم‌چنان در کار ستیز با سانسور و دفاع از آزادی بیان و متشکل کردن نویسندگان.»**

**کانون نویسندگان ایران در همه حوادث بیش از چهار دهه ایران بی‌طرف نمانده و برعکس همواره خود را در کنار مردم معترض و سرکوب شده و در مقابل حکومت سرکوبگر قرار گرفته است. چرا که در سرکوب‌های حکومتی آزادی بیان همه شهروندان سلب می‌شود و این حکومت است که آزادی بیان مردم را سرکوب و سانسور می‌کند. دفاع از آزادی بیان، دفاع از آزادی همه سرکوب‌شدگان و محرومان و ستم‌دیدگاندر چنین وضعیتی هرگونه دفاع از حکومت و یا این و آن جناح حکومتی دفاع از سرکوبگران آزادی بیان و اندیشه است و در واقع نقض غرض است.**

**هدف اصلی کانون نویسندگان دفاع از آزادی بی‌هیچ حصر و استثنای بیان برای هر فرد یا هر جریانی و جنبشی است که این آزادی از او سلب شده است، و نه هیچ چیز دیگر.**

**نبرد بی‌امان «آزادی بیان و اندیشه» و «رسانه و آگاهی» با «سانسور و جهل» در تاریخ معاصر ایران یکی از مبانی شکل‌گیری جنبش‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی بوده است. نویسندگان و هنرمندان و فعالین سیاسی و اجتماعی و به‌طور کلی آحاد مردم می‌خواهند حرف بزنند، دردهایشان را بیان کنند، کنش‌گر و چالش‌گر باشند، عوامل عقب‌ماندگی را نشان دهند، بر اعمال و رفتار احزاب و دولت‌ها نظارت و نقد داشته باشند، اطلاع‌رسانی و آگاهی‌پراکنی کنند و پلی میان حیات یک جامعه بالنده با مخاطبان آن جامعه باشند.**

**در چهل و دو سال گذشته یک تضاد پایه‌ای در جامعه ما وجود داشته که مبنای همه مشکلات فرهنگی و سیاسی و اجتماعی بوده است. تضاد مبنایی که در این بیش از چهار دهه گذشته بیش از تمامی تاریخ ایران مطرح شده و روشنایی زندگی روزمره مردم تاریک نگه داشته، سانسور سیستماتیک و سلطه‌گری ضدآزادی و افسارگسیخته جمهوری اسلامی ایران است.**

**جمهوری اسلامی ایران از نادرترین حاکمیت‌های جهان معاصر است که در آن نه تنها مطلقا آزادی بیان و اندیشه و تشکل ممنوع است، بلکه ناقضین آن از ترور و اعدام گرفته تا شلاق و زندان‌های طولانی محکوم می‌گردند.**

**روح‌الله خمینی بنیان‌گذار جمهوری جهل و جنایت و تبه‌کار اسلامی در تابستان ۱۳۵۸ به خودش انتقاد کرد که چرا از همان اول حاکمیت‌شان، آزادی بیان و مطبوعات را قلع و قمع نکرد! پس از آن خمینی و وارثان آن همواره در کمین شکار فعالین فرهنگی و سیاسی و اجتماعی نشستند و هیچ‌رحمی هم به آن‌ها نکردند.**

**اعمال سیستماتیک سانسور و سرکوب در جمهوری اسلامی سبب شده است که کتاب‌خوانی و روزنامه‌خوانی در ایران فاجعه‌بار باشد. به طور مداوم تیراژ کتاب و روزنامه در ایران افت پیدا کند.**

**«اصحاب قدرت، مرجعیت رسانه‌ها را از بین برده‌اند... شرایطی به‌تدریج به رسانه‌ها تحمیل شده که مرجعیت‌شان را از دست داده‌اند و نمی‌توانند برای مخاطب کارکرد رسانه‌یی‌شان را که اطلاع‌رسانی است، انجام دهند. دیگر مخاطب، خودش را در رسانه نمی‌بیند.»‌(روزنامه شرق، فریدون صدیقی از کارشناسان قدیمی روزنامه‌نگاری، ۱۶مرداد ۹۹)**

**«برخی رسانه‎ها دست‌خوش تغییر و تحولات عرصه قدرت شده‌اند و حیات‌شان به خطر افتاده است... در فضای فعلی ایران رسانه‌ها یا باید به یک نهاد دولتی یا شبه‌دولتی وابسته باشند یا این‌که مستقل باشند که به‌دلیل شرایط موجود در رسانه‌های ایران از جمله خطوط قرمز فراوان و سانسور نمی‌توانند محتوای محبوب مخاطبان را تولید کنند.»‌(همان منبع)**

**«حتی می‌بینیم مسئولان مملکت از شبکه‌های اجتماعی سر در می‌آورند که در کشور برای دسترسی به آن ممنوعیت وجود دارد. یا حتی برخی چهره‌ها در رسانه‌های تلویزیونی برون‌مرزی حاضر می‌شوند و اظهارنظر می‌کنند؛ در حالی‌که اگر همان شخص بخواهد چنین حرف‌هایی را در رسانه‌های ایران بزند، اظهارنظرش مشمول سانسور می‌شود یا رسانه‌ها به‌دلیل ترسی که دارند، نمی‌توانند آن اظهارنظر را منتشر کنند.»‌(همان منبع)**

**در دورانی که کتاب­های نویسندگان سرشناس و با استعداد کشور در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای دریافت پروانه چاپ، خاک می‌خورند و شور و شوق نویسندگان‌شان به تولید اثرهای فرهنگی و اندیشه‌ پویا به نابودی کشانده می‌شود، نویسندگانی گم‌نام و به اصطلاح «درباری» و یا به اصطلاح جمهوری اسلامی «ارزشی» در یک بازه زمانیِ مثلا ده ساله ده‌ها کتاب می‌نویسند. کتاب‌هایی که با پشت‌بانیِ دولت و وزارت ارشاد اسلامی ناشرانی هم‌چون انتشارات کتاب جمکران، انتشارات زائر رضوی و رانت‌خوارانی از این دست، چاپ و منتشر شده‌اند. وضعیتی که به راستی شگفتی‌آور و دردناک و فاجعه‌بار است. در زمانه‌ای که اختناق و سانسور همه راه‌های نفس‌کشیدن جامعه را بسته و هر روزنه و دریچه‌ای برای نشر و توزیع اندیشه‌های پیشرو و بالنده و پویا در جامعه را سد کرده است، چه‌گونه کتاب‌های خرافی و بی‌محتوا و حتی خطرناک برای کودکان و جوانان در چند هفته به چاپ دوم و سوم و... می‌رسد؟**

**برای نمونه نزدیک به نیمی از کتاب‌های چاپ شده در سال ۱۳۹۷ کتاب‌های کمک درسی، بیست و هفت درصد آن‌ها آموزشی و بیست و دو درصدشان کتاب‌های کودک و نوجوان بوده‌اند. در همین سال، میانگین شمارگان چاپ کتاب در سراسر کشور و برای همه‌ حوزه‌های چاپ کتاب  نزدیک به ۱۴۰۰ نسخه بوده است.‌(گزارش سایت همشهری‌ شانزده اردیبهشت ۱۳۹۸)**

**بر اساس این آمار، سی و یک درصد از کتاب‌های چاپ شده نیز شمارگانی زیر هزار نسخه داشته‌اند. در شناسنامه پنجاه و سه درصد از این کتاب‌ها اما، شمارگان پانصد نسخه نوشته شده است.**

**سرکوب و سانسور و اختناق در جمهوری اسلامی ایران، آن‌چنان گسترده و سهمگین است که هر حرف و اندیشه‌ تازه شکفته نشده و گل نداده پرپر و جوان‌مرگ می‌شود. تیغِ سانسور بر نویسنده و کتاب چنان تیز و برنده است که انتشار حرف و نظر و سخن نو و هوای تازه را نشدنی کرده است. هنگامی که در جامعه‌ای، هنر و اندیشه پیشرو و بالنده سرکوب می‌شود، از شکوفایی جلوگیری می‌شود مسلم است که به ناچار و تنها وابسته حاکمیت و آیدئولوزی آن است که با «فرهنگ رانتی» و با هدف عوام فریبی دولتی به بازار عرضه می‌شود.**

**یک مثال تازه‌تر در مورد کتاب‌های رانتی، «کتاب مخفی» کتاب‌ منتشره از سوی انتشارات جمکران، با نویسندگی «مجید پورولی کلشتری»، است.**

**خبرگزاری فارس وابسته سپاه پاسداران در هشتم مرداد ۱۳۹۹ گزارش کرده است: پس از گذشت دو روز از انتشار کتاب مخفی، این کتاب برای سومین بار به چاپ رسیده است. نویسنده این کتاب در گفت‌و‌گو با خبرگزاری فارس یک هفته پیش از انتشار این کتاب، از جمله گفته است: «ما معتقدیم حتا تاریخ را هم باید از اهل بیت گرفت؛ چون اهل بیت در همه چیز عصمت دارند و یکی از آن همه چیز، روایت تاریخ است.» به این ترتیب به نظر می‌رسد نویسنده خود را تاریخ­دان هم می‌داند! همین شخص در سال گذشته کتابی دیگر منتشر کرده است به نام «باغ مخفی»؛ سخنان علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی در باره‌ چهارده شخصیت دور از گناه شیعیان‌(ائمه معصومین) درون‌مایه این کتاب را تشکیل می‌دهد و ناشر آن، انتشارات زائر رضوی است.**

**البته چاپ اول این کتاب به سال ۱۳۹۷ برمی‌گردد به گزارش آستان نیوز، «رمان «باغ مخفی»  با توجه به استقبال مخاطبان از کتاب ارزشمند انسان ۲۵۰ ساله که حاوی بیانات مقام معظم رهبری(مدظله العالی) درباره ائمه معصومین(ع) است به درخواست**[**معاونت تبلیغات اسلامی**](https://razavi.aqr.ir/)**آستان قدس رضوی از سوی اداره تولیدات تهیه، تنظیم و چاپ شد.»**

**بنا به همین گزارش «این اثر با قلم مجید پورولی کلشتری و ارزیابی علمی حجت‌الاسلام‌والمسلمین محدثی در شمارگان ۳ هزار برای اولین بار چاپ شد.**

**کتاب باغ مخفی برگرفته از انسان ۲۵۰ ساله با توجه به اقبال مخاطبان جوان به قالب رمان از سوی معاونت تبلیغات اسلامی**[**آستان قدس رضوی**](http://news.aqr.ir/Portal/home/?news/38388/5968/102124/%D8%A2%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86%D9%82%D8%AF%D8%B3%D8%B1%D8%B6%D9%88%D9%8A)**تولید و در اختیار مخاطبین جوان گذاشته شد.»**

**سانسور و جلوگیری از گردش آزاد اطلاعات، یکی از موضوعاتی است که جمهوری اسلامی ایران از همان آغاز نسبت به پیاده کردن آن هیچ درنگی به خود نداد. جامعه‌ای که از استبداد سلطنتی رها شده بود، خواهان گسترش آزادی در تار و پود جامعه بود. از این‌رو جمهوری اسلامی برای تحکیم سلطه خود، نخست به مخالفین و زنان و رسانه‌ها و دانشگاه‌ها هجوم بردند و با مستمسک انقلاب فرهنگی، آن‌ها را بستند، استادان، معلمان و آموزگاران آزاده را دستگیر و به زندان انداختند و عده‌‌ای را هم زندانی و اعدام کردند. از آن به بعد در مسیر ورود به دانشگاه فیلترهایی قرار دادند که تنها دستچین‌شدگان مورد قبول حکومت می‌توانستند از آن عبور کنند. این جدا از اختصاص سهمیه‌های مشخص به نهادهای ارتجاعی مانند بنیاد شهید یا بسیج سپاه پاسداران بود.**

**عرصه چاپ کتاب از همان آغاز در اختیار یک نهاد سرکوبگر و تحت‌امر حکومت مانند وزارت ارشاد قرار گرفت. ممیزی‌های ارشاد بسا بدتر از تفتیش عقایدکنندگان قرون وسطی و انگیزاسیون کلیسا، کتاب‌ها را لت و پار کردند تا مبادا نامی از آزادی، تفکر آزاد در آن‌ها باشد. «اداره ممیزی کتاب وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی»، به‌طور رسمی مسئولیت سانسور کتاب‌ها را در اختیار خود دارد. به ندرت کتابی می‌تواند از این فیلتر عبور کرده و به بازار توزیع و جامعه راه پیدا کند. یافتن واژه‌های ممنوع در کتاب‌ها علاوه بر آثار جدید نویسندگان، شامل آثار ترجمه شده از نویسندگان خارجی نیز می‌شود.**

**قتل‌های موسوم به «قتل‌های زنجیره‌‌ای» در ایران و حذف دگراندیشان و روشنفکران بخشی از اقدامات مکمل سانسور بود.**

**برچیدن بشقاب ماهواره‌ها از پشت‌بام و بالکن خانه‌ها و له‌کردن‌شان در زیر غلتک و شنی زرهی‌ها، از دیگر عرصه‌های شناخته شده مقابله جمهوری اسلامی با هر نوع دگراندیشی و نفوذ اندیشه‌های غیرحکومتی در جامعه ایران بود.**

**با ورود اینترنت و شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی، انگیزاسیون حکومتی راه‌چاره را در فیلترینگ آن‌ها دید.**

**اصرار حکومت برای گسترش سانسور به تمام جنبه‌های زندگی ایرانیان، مقاومتی منفی را دامن زده است. دور زدن فیلترینگ، رد و بدل کردن زیرزمینی ممنوع‌شده‌ها و نیز ستیز دائمی با آن‌چه حکومت تبلیغ می‌کند، اینک در ایران به یک روال تبدیل شده است.**

**اکنون حکومت با نسل‌هایی روبه‌روست که نه تنها هیچ سنخیتی با فرهنگ، القائات، آموزه‌ها و باور داشت‌های آن ندارند؛ بلکه در رویارویی همه‌جانبه با آن هستند. این رویارویی فرهنگی که عمیقا پا در نفی افکار خرافی و ارتجاعی دارد، متولیان سانسور در آموزش و پرورش را بر آن داشته است تا با دست بردن در کتاب‌های درسی، تصاویر و مطالب مورد نظر خود را در آن‌ها بگنجانند و از این طریق در ذهن سپید کودکان دبستانی نفوذ کنند.**

**حذف آثاری مانند غزل «جوانی» از رهی معیری، شعر «داروگ» نیما یوشیج، داستان سیاحت‌نامه ابراهیم بیگ، شعر «مادر» ایرج میرزا و نیز حذف سروده‌های برخی شاعران شهیر ایرانی از کتاب‌های ادبیات فارسی و در نقطه مقابل اضافه کردن شعری در مورد محسن حججی بخشی از گسترش سانسور در آموزش و پرورش حکومتی است. از اقدامات مضحک دیگر افزودن ریش برای تصاویر همه مردان در کتاب‌های اول ابتدایی است که هدف آن نهادینه کردن فرهنگ ارتجاعی در اذهان کودکان است.**

**پیش‌تر حذف عکس دختر بچه‌ها از پشت جلد کتاب ریاضیات سال سوم ابتدایی به یک رسوایی تبدیل شد؛ تا جایی که سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش در پاسخ به واکنش گسترده جامعه در قبال این موضوع مجبور به ردیف کردن یک‌سری اراجیف و توجیهاتی شد و با انتشار اطلاعیه‌ایی در ۲۰ شهریور ۹۹ مدعی شد تصویر دختران از جلد کتاب ریاضی سال سوم ابتدایی «بسیار شلوغ بود» و «پیشنهاد دوستانی که از منظرهای هنری، زیباشناسی و روانشناسی بخش‌های مختلف کتاب را بررسی می‌کنند بر این بوده است که تصویر خلوت‌تر گردد»!**

**در جدیدترین اقدام برای نهادینه کردن سانسور و تبلیغ دین اجباری، در کتاب‌های دانش‌آموزان ابتدایی، تحریف متون و دست‌برد زدن به آثار بارها چاپ‌شده و شناخته‌شدهٔ پیشین است. در این رابطه آش آن‌قدر شور شده است که روزنامهٔ شرق در شماره ۱۹ آذر ۹۹ خود نوشته است:**

**«عمق فاجعه آن‌جاست که کسانی در آموزش و پرورش که باید متکفل آموزش و تربیت فرزندان کشور باشند، آداب ادب را یک‌سو نهاده و به سهولت تمام به خود اجازه می‌دهند نوشته‌های دیگران را به سلیقه خود تغییر دهند. بعد از برملا شدن دستبرد به یکی از آثار مرحوم نادر ابراهیمی در کتاب فارسی پایه هفتم، معلوم شده است همین بلا را بر سر داستان سفرنامه اصفهان، از مجموعه قصه‌های مجید، اثر هوشنگ مرادی‌ کرمانی نیز آورده‌اند. بدون اجازه هوشنگ مرادی‌ کرمانی در داستان دست برده‌اند و کلماتی به آن افزوده‌اند که در اصل اثر نیست که بارها منتشر شده است‌.»**

**این روزنامه سپس موارد تحریف شده را چنین ردیف کرده است:**

**«در صفحه ۷۱ کتاب فارسی آمده است: «بی‌بی وقت نماز صبح، بیدارم کرد. برایم بار و بندیل بست. «من هم نماز خواندم»، ناشتایی خورده و نخورده، پریدم رو چرخ.» ... جمله واقعی نویسنده در داستان این است: «بی‌بی وقت نماز صبح، بیدارم کرد. برایم بار و بندیل بست. «من هم بی‌کار ننشسته» ناشتایی خورده و نخورده، پریدم رو چرخ.» ... در صفحه ۷۴ کتاب فارسی آمده است: «ظهر شد. صدای اذان می‌آمد. «وضو گرفتم و نماز خواندم». کار اکبرآقا تمامی نداشت.» جمله واقعی نویسنده در داستان این است: «ظهر شد. صدای اذان می‌آمد. کار اکبرآقا تمامی نداشت.»‌(همان منبع)**

**شاید تا این اندازه میزان از فلاکت را حتی در اروپای عصر انگیزاسیون و تفتیش عقاید نیز نمی‌توان جست‌و‌جو کرد. البته اگر جمهوری اسلامی و سران آن می‌توانستند، تمام کتاب‌ها را آتش می‌زدند و ایران را به عصر حجر برمی‌گرداندند. اما حضور مقاومتی سراسری عرصه را بر آنان تنگ کرده است. از هر طرف که بچرخند مردم خشمگین و به‌ستوه آمده را در برابر خود می‌یابند.**

**چند نمونه از اطلاعیه‌های کانون نویسندگان ایران در سال ۲۰۲۰**

**سال گذشته روز دوشنبه ۳ شهریور ۴۰ تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی طرح «ساماندهی پیام‌رسان‌های اجتماعی» را به هیئت رییسه‌ مجلس تحویل دادند که بر مبنای آن پیام‌رسان‌های «تولید داخلی» جایگزین پیام‌رسان‌های اجتماعی خارجی شود.**

**در این طرح برای کسانی که بدون مجوز اقدام به ارائه‌ی پیام‌رسان اجتماعی می‌کنند یا به تکثیر و توزیع وی‌پی‌ان و فیلترشکن می‌پردازند مجازات نقدی بیست تا هشتاد میلیون ریال و حبس شش ماه تا دو سال تعیین شده است.**

**در این طرح یک نهاد با نام «هیئت سازماندهی» متشکل از رییس مرکز فضای مجازی، نماینده وزارتخانه‌های ارتباطات، ارشاد، اطلاعات، دادستانی کل کشور، کمیسیون فرهنگی، صدا و سیما، اطلاعات سپاه، سازمان تبلیغات، نیروی انتظامی و سازمان پدافند غیر عامل پیش‌بینی شده که وظیفه‌ آن دادن مجوز به پیام‌رسان‌ها، پایش، نظارت بر عملکرد آن‌ها و رسیدگی به شکایات است.**

**پیش از این نیز فضای مجازی در ایران با محدودیت و فشار مواجه بوده است و کاربران مورد تهدید و سرکوب بوده‌اند. در گزارشی که سازمان گزارشگران بدون مرز در اسفند سال گذشته به مناسبت «روز جهانی مبارزه با سانسور سایبری» منتشر کرد نام شورای عالی فضای مجازی در ایران جزو ۲۰ نهادی بود که بدترین کارنامه را در سرکوب کاربران و فضای مجازی دارند.‌(کانون نویسندگان ایران)**

**بیانیه‌ کانون نویسندگان ایران به مناسبت سال‌گرد اعتراضات مردمی آبان ۹۸:**

**پایمال کردن حق آزادی بیان و سرکوب اعتراض‌های مردم در کشور ما پدیده‌ای نوظهور نیست. جمهوری اسلامی بیش از چهل سال به جای به رسمیت شناختن حق آزادی اندیشه و بیان، حق تاسیس تشکل‌های صنفی مستقل و حق برگزاری تجمع‌های اعتراضی مسالمت‌آمیز، همواره شیوه‌ی اعمال فشار، بگیر و ببند و سرکوب را در پیش گرفته است.**

**سرکوب خشونت‌بار اعتراضات گسترده‌ی مردم در آبان ماه سال گذشته و کشته و مجروح شدن صدها نفر و بازداشت هزاران نفر، که تنی چند از آنان به چوبه‌ی دار سپرده شدند، تعدادی از آنها هنوز در زندان‌اند و برای تعدادی دیگر حکم اعدام صادر شده است، نشانه‌ی آشکار نقض بدیهی‌ترین حقوق انسانی، یعنی حق آزادی بیان است.**

**حکومت نه تنها حق آزادی بیان مردم را به شکلی فجیع سرکوب کرده بلکه هم‌چون موارد مشابه، راه دادخواهی را بر بازداشت‌شدگان و خانواده‌های قربانیان بسته و حتی حق سوگواری آنان را نیز به شیوه‌های مختلف سلب کرده است.**

**آنان که در آبان خونین ۹۸ به خیابان‌ها آمدند آیا جز این بود که می‌خواستند رنج‌ها و خواسته‌های خود را بیان کنند؟**

**از آبانِ گذشته تا به امروز نه تنها بهبودی در شرایط زندگی و معیشت مردم ایجاد نشده، بلکه وضع به مراتب بدتر و غیرقابل تحمل‌تر شده است. شانه‌های مردم زیر فشار جانفرسای گرانی خرد شده و سقوط سرسام‌آور ارزش پول ملی در یک سال گذشته مردم فقیر را فقیرتر کرده و بسیاری دیگر را به زیر خط فقر رانده است.**

**در چنین شرایطی بدیهی است که خواسته‌های مردم در آبان گذشته هم‌چنان به قوت خود باقی باشد و مردمی که جانشان به لب رسیده و هیچ چشم‌انداز روشنی پیش روی خود نمی‌بینند، زبان به اعتراض بگشایند و مطالبات‌شان را بیان و حتی فریاد کنند؛ اما آن‌چه در ماه‌های اخیر شاهد آن بودیم حکایت از آن دارد که حاکمیت بجای تسلیم شدن در برابر خواست مردم، بر آن است که با اعمال خفقان عمومی و سانسور رسانه‌ها و صداهای مستقل بر واقعیت موجود سرپوش بگذارد.**

**مواردی چون افزایش فشار بر تشکل‌های مستقل دانشجویی و فعالین صنفی و سندیکایی و مدنی، ایجاد محدودیت‌های بیشتر برای رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، بازداشت‌های گسترده‌ی روزنامه‌نگاران و نویسندگان، از جمله سه عضو کانون نویسندگان ایران‌(رضا خندان مهابادی، بکتاش آبتین و کیوان باژن)، صدور حکم‌های سنگین برای بازداشت‌شدگان اعتراضات دی ماه ۹۶ و آبان ۹۸، بازداشت معترضان به ساقط کردن هواپیمای مسافربری و تهدید تعدادی از آنان که دست از دادخواهی برنداشته‌اند، تشکیل گشت به اصطلاح امنیتی محله‌ها، افزایش فشار امنیتی بر خانواده‌های معترضان و قربانیان در آستانه‌ی سالگرد آبان ۹۸ و… همگی نشان از آن دارد که سیاست‌گذاران کشور کماکان راه بستن دهان منتقدان و سرکوب مردم معترض را در پیش گرفته‌اند.**

**کانون نویسندگان ایران در سال‌گرد آبان ۹۸ بار دیگر حمایت خود را از حق اعتراض مردم و حق دادخواهی خانواده‌های قربانیان و زندانیان آبان ۹۸ و دی ۹۶ اعلام می‌کند و به حکومت هشدار می‌دهد که به سیاست ارعاب و سرکوب معترضان و آزادی‌خواهان پایان دهد و همه‌ی زندانیان عقیدتی و سیاسی را بی‌قید و شرط آزاد کند.‌کانون نویسندگان ایران، ۲۴ آبان ۱۳۹۹)**

**کانون نویسندگان ایران به مناسبت ۱۳ آذر، روز مبارزه با سانسور با صدور بیانیه‌ای از جمله به حبس چهار عضو این کانون به نام‌های رضا خندان‌(مهابادی)، بکتاش آبتین، ‌کیوان باژن و گیتی پورفاضل اشاره کرده است.**

**در بیانیه کانون آمده است: دوازده سال از اعلام ۱۳ آذر به عنوان روز مبارزه با سانسور گذشته است و اکنون رضا خندان‌(مهابادی)، بکتاش آبتین از اعضای هیئت دبیران و کیوان باژن، عضو کانون نویسندگان ایران به دلیل تلاش برای مبارزه با سانسور به زندان افتاده‌اند و عضو دیگرمان؛ گیتی پورفاضل، به دلیل استفاده از حق آزادی بیان‌اش به حبس کشیده شده است.**

**موضوع سانسور و مبارزه با آن، محدود به کتاب، مطبوعات یا فعالیت‌های هنری نیست و به همین دلیل روز مبارزه با سانسور مختص نویسندگان و هنرمندان نبوده و هدف آن؛ همگرایی و ایستادگی تمام گروه‌ها و افرادی‌ست که مستقیم یا غیرمستقیم قربانی سانسور و سرکوب هستند. سانسور، تامین کننده‌ی تاریکی مورد نیاز برای سرکوب است و این یعنی، سرکوب را می‌توان بی‌کم و کاست، شکل عینی و تحقق یافته‌ی سانسور دانست. بدین معنا، جامعه‌ ما سال‌هاست که به شدیدترین وجه، تحقق سانسور را در حبس و شکنجه و اعدام و کشتار فرزندانش، عریان و خونین، چشیده و لمس کرده است.**

**سال‌هاست که هنر و فرهنگ و زیبایی، روبروی چشمان ما سرکوب شده‌ است و از این رهگذر تولیدات فرهنگی سانسور شده و بی‌یال و دم و اشکم، مخاطب خود را به شکلی روزافزون از دست داده‌اند.**

**سال‌هاست که سیستم آموزشی، متکی به ارعاب و سانسور وُ خودسانسوری‌ست و در کنار این‌ها، حق اعتراض مردم نیز سرکوب و دامنه‌ی سانسور به کف خیابان کشیده شده است. با این همه، سال‌هاست که ایستاده‌ایم و سال‌هاست که در برابر سهمگین‌ترین سانسور و سرکوب تاریخ عاصر، به مبارزه‌ خود برای دفاع از آزادی اندیشه و بیان ادامه داده‌ایم.**

**کانون نویسندگان ایران، ضمن بزرگداشت ۱۳ آذر، روز مبارزه با سانسور، از عموم مردم به ویژه صاحبان قلم و اندیشه می‌خواهد تا در صف مبارزه با سانسور بایستند و یک‌صدا خواستار برچیدن بساط سانسور شوند. ما خواهان آزادی اندیشه و بیان و نشر بی هیچ حصر و استثنا هستیم، خواهانِ جریان آزاد خبررسانی، اینترنت و مطبوعات آزاد، آزادی حق اعتراض و هم‌چنین آزادی تمام زندانیان عقیدتی و سیاسی که در سیطره‌ی سانسور و سانسورچیان به بند کشیده شده‌اند.‌‌(کانون نویسندگان ایران -۱۱ آذر ۱۳۹۹)**

****

**کانون نویسندگان ایران با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد آرش گنجی، منشی هیات دبیران کانون نویسندگان ایران به یازده سال زندان محکوم شده است.**

**دادگاه انقلاب این حکم را به ناصر زرافشان، وکیل آرش گنجی ابلاغ کرده است.**

**بر اساس حکم صادره آرش گنجی به اتهام «اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی» به پنج سال، برای «تبلیغ علیه نظام» به یک سال و برای «عضویت و همکاری با گروهک مخالف نظام» به ۵ سال زندان محکوم شده است.**

**مصداق این اتهام‌ها ترجمه کتابی درباره‌ تحولات کردستان سوریه با عنوان «کلید کوچک دروازه‌ای بزرگ» عنوان شده است.**

**آرش گنجی روز یکم دی ماه ۱۳۹۸ بازداشت و پس از چهار هفته با تأمین قرار وثیقه‌ ۴۵۰ میلیون تومانی تا برگزاری دادگاه آزاد شد. دادگاه انقلاب بعدتر وثیقه این عضو کانون نویسندگان را به ۳ میلیارد تومان افزایش داد.**

**سرنوشت آزادی بیان در ایران از منظر نهادهای بین‌المللی**

**بر اساس آخرین رتبه‌بندی بنیاد هریتیج از آزادی اقتصادی در جهان در سال ۲۰۲۰، ایران در جایگاه ۱۶۴ در بین ۱۸۰ کشور قرار گرفته و جزء اقتصادهای بسته طبقه‌بندی شده است؛ موضوعی که یکی از دلایل آن، قوانین دست و پاگیر دولتی و هم‌چنین عدم تلاش برای جذب سرمایه‌گذاران خارجی به دلایل مختلف هم‌چون ناکارآمدی قوانین و تحریم‌ها است.**

**طبق تعاریف موجود، آزادی اقتصاد یکی از اصول مهم در ارزیابی توسعه یافتگی اقتصاد کشورهاست. درجه آزادی اقتصاد کشورها بر اساس ۵ شاخص تعیین می‌شود: حجم و اندازه دولت؛ ساختار قانونی امنیت حقوق مالکیت؛ دسترسی به نقدینگی سالم؛ آزادی تجارت خارجی؛ و قوانین مالی، بازار کار و تجارت. شاخص‌های آزادی اقتصادی و در مقابل حضور کمتر دولت در اقتصاد، از این جهت اهمیت دارد که هر چه‌قدر آزادی اقتصادی بیش‌تر باشد، تاثیر مثبت و معنی‌داری بر روی جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورها داشته است.**

**این بنیاد در سال ۱۹۷۳ تاسیس شده است. شاخص اقتصادی هریتیج از حدود ۵۰ متغیر مستقل اقتصادی که در ۱۰ شاخص دسته‌بندی شده‌اند محاسبه و ارائه می‌شود.**

**در آخرین رتبه‌بندی این بنیاد که مربوط به سال ۲۰۲۰ میلادی است، ایران با کسب نمره ۴۹/۲ در مقایسه با رتبه‌بندی سال گذشته که نمره ۵۱/۱ کسب کرده بود، ۹ پله تنزل رتبه یافته است. ایران در میان ۱۴ کشور منطقه‌ی خاورمیانه و شمال آفریقا در رتبه ۱۳ و قبل از الجزایر که بسته‌ترین اقتصاد در این منطقه است جای گرفته است. امارات متحده عربی آزادترین اقتصاد در این منطقه عنوان شده است. از بین همسایگان ایران، تنها ترکمنستان رتبه‌ای پایین‌تر از ایران دارد و کشورهای افغانستان و پاکستان حدودا ۳۰ رتبه بالاتر از ایران هستند.**

**در این فهرست، ۱۹ کشور دارای آزادی اقتصادی کم‌تر از ۵۰ هستند که ایران نیز در زمره این ۱۹ کشور است. کره شمالی در قعر جدول قرار دارد و ونزوئلا، کوبا، بولیوی، زیمبابوه، اتیوپی، ترکمنستان، سیرالئون و الجزایر از جمله معدود کشورهایی هستند که در این رتبه‌بندی پایین تر از ایران قرار گرفته‌اند و به عبارت ساده‌تر، اقتصادی بسته تر از ایران دارند.**

**کشورهای عراق، سوریه، یمن، لیبی، سومالی و لیختن اشتاین، در این رتبه‌بندی قرار نگرفته‌اند که به دلیل عدم محاسبه شاخص در آن‌ها بوده است.**

**گزارشگران بدون مرز (RSF)، روز سه‌شنبه ۲۱ آوریل، رده‌بندی جهانی آزادی رسانه‌ها در سال ۲۰۲۰ را منتشر کرد و با اشاره به وضعیت آزادی رسانه‌ها در کشورها و مناطق مختلف جهان، نوشت: «به دهه‌ای سرنوشت‌ساز برای روزنامه‌نگاری وارد می‌شویم و کروناویروس عاملی با ضریب افزاینده است.»**

**ویرایش ۲۰۲۰ این رده‌بندی، به نوشته گزارشگران بدون مرز نشا‌ن‌‌ می‌دهد که دهه‌ پیش‌روی برای آینده روزنامه‌نگاری سرنوشت‌ساز است، زیرا جهان‌گستری کوید‌۱۹ بر بحران‌های که حق دسترسی به اطلاعات را تهدید می‌کنند، روشنی بیش‌تری افکنده است.**

**این سازمان تاکید کرده است که رده‌بندی جهانی آزادی رسانه‌ها که در مدت یک‌سال وضعیت روزنامه‌نگاری را در ۱۸۰ کشور جهان بررسی می‌کند، نشان می‌دهد که در ده‌سال آینده روزنامه‌نگاری به دلیل بحران‌های که  در سراسر جهان با آن‌ها رودررو است و از این میان بحران ژئوپولتیک‌(تهاجمی شدن مدل‌های اقتدارگر)، بحران فن‌آوری‌(نبود تضمین‌های دمکراتیک)، بحران دمکراسی‌(دوقطبی شدن و سیاست سرکوب)، بحران اعتماد‌(تردیدها و کینه نسبت به رسانه‌ها) و بحران اقتصادی‌(فقر روزنامه‌نگاری با کیفیت) بدون شک «دهه‌ای سرنوشت‌ساز» برای آزادی رسانه‌ها است.**

**در حالی که شیوع ویروس کرونا، بحران بهداشت را به بحران‌های قبلی افزوده است، کریستف دولوار دبیر اول گزارشگران بدون مرز در این باره می‌گوید: «ما با بحران‌هایی هم‌زمان به دهه‌ای سرنوشت‌ساز برای روزنامه‌نگاری وارد شده‌ایم. همه‌گیری ویروس کرونا تصویرگر وجود عوامل منفی برای حق دسترسی به اطلاعات درست و خود عاملی با ضریب افزاینده است. آزادی، کثرت‌گرایی، راستینی اطلاعات تا سال ۲۰۳۰ چه خواهند شد؟ پاسخ به این پرسش را در امروز باید جست‌و‌جو کرد.»**

**گزارشگران بدون مرز در گزارش سالانه خود آورده که در هنگامه همه‌گیری ویرویس کرونا، میان سرکوب آزادی اطلاع‌رسانی و رتبه کشورها در رده‌بندی جهانی آزادی رسانه‌ها پیوندی عیان وجود دارد. به طوری که چین با سه رتبه کاهش به رتبه ۱۷۷ و ایران نیز با همین تعداد رتبه کاهش در جایگاه ۱۷۳ جدول رده‌بندی آزادی رسانه‌ها در سال ۲۰۲۰ رسیده‌اند.**

**این گزارش با اشاره به این که «خاورمیانه هم‌چنان خطرناک‌ترین منطقه برای روزنامه‌نگارانی است که وظیفه حرفه‌ای خود را انجام می‌دهند.» بازداشت اخیر همکار و نماینده گزارشگران بدون مرز در الجزایر نشان داد چگونه مقامات برخی از کشورها از همه‌گیری کووید‌ ۱۹ برای تسویه حساب با روزنامه‌نگاران بهره می‌برند.**

**در حالی که وضعیت ایران نسبت به وضعیت افغانستان بدتر است و در رده‌بندی گزارشگران بدون مرز با سه رتبه کاهش به ۱۷۳ جدول رسیده، این سازمان نوشته است: «جمهوری اسلامی ایران یکی از سرکوب‌گرترین کشورهای جهان برای روزنامه‌نگاران و شهروند خبرنگاران است. مهار حکومتی خبرها و اطلاعات در ایران همه جانبه است. دست‌کم ۸۶۰ روزنامه‌نگار و شهروند - خبرنگار در فاصله سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۸۸ تحت تعقیب قرار گرفته، بازداشت، زندانی و یا حتا اعدام شده‌اند. در چهل و یک سال گذشته، مهار دولتی اخبار و اطلاعات در ایران همه‌جانبه بوده ‌است. جمهوری اسلامی بیش‌تر رسانه‌های خبری را سخت در چنگ خود دارد و در برخورد با رورنامه‌نگاران مستقل، شهروند-‌خبرنگاران و رسانه‌های خبری هرگز نرمش نمی‌کند. در این راه از ابزارهای ایجاد هراس، بازداشت‌های خودسرانه، و حبس‌های طولانی‌مدت، پس از محاکمه‌های ناعادلانه در دادگاه‌های انقلاب، بهره می‌برد. این سرکوب به مرزهای کشور محدود نشده است.»**

**گزارشگران بدون مرز درباره وضعیت ایران ادامه داده است: «گزارش‌گران خارجی و ایرانی رسانه‌های جهانی به شدت زیرنگر و فشارهستند. رسانه‌هایی که برای گزارش‌گری‌ به شکلی آزاد و بدون وابستگی، مقاومت ‌کنند با دشواری برای انجام وظیفه اطلاع رسانی‌شان مواجه می‌شوند. رژیم برای محروم کردن شهروندان از خبرهای مستقل و بدیل در قطع کامل ودراز مدت اینترنت نیز تردید نمی‌کند. این‌گونه، این شهروند- خبرنگاران فعال در شبکه‌های اجتماعی هستند که برای گزارش آزادانه اخبار و اطلاعات و تحولات سیاسی در مرکز نبرد برای حق دانستن قرار دارند. رسانه‌ها و مطبوعات داخلی با وجود مقاومت اما با دشواری فراوان برای انجام وطیفه اطلاع‌ریانی رو‌به‌رو هستند. در برابر رویدادهای فاجعه بار نظام همه توان خود را برای پنهان کردن حقیقت به کار می‌گیرد، از این میان بحران سیل در فروردین ۱۳۹۸، آمار کشتگان و بازداشت شدگان اعتراض‌های آبان ۹۸، سرنگون کردن هواپیمای اکراینی دی ۹۸ و همه‌گیری ویروس کرونا در بهمن ۱۳۹۸.»**

**گزارشگران بدون مرز در پایان تاکید کرده که «رژیم جنگ خود علیه آزادی اطلاع‌رسانی را به خارج از مرزهای این کشور نیز کشانده است. با آنکه تلاش در بهتر نشان دادن چهره خود دارد، اما رسانه‌های جهانی و فارسی زبان در خارج از مرزهایش را نیز مورد حمله سانسور قرارمی‌دهد.»**

**در گزارش سالانه شادی در مقیاس بین‌المللی، بر اساس ۶ فاکتور اصلی، کشورها رتبه‌بندی می‌شوند: تولید ناخالص داخلی، امید به زندگی، بخشندگی، حمایت اجتماعی، آزادی و فساد. در سال جاری شرایط برای آمریکا بهبود یافته و این کشور با یک پله صعود نسبت به سال گذشته توانسته در رتبه هجدهم شادترین کشورهای جهان قرار گیرد هر چند هنوز فاصله زیادی با رتبه ۱۱ام که در اولین سال انتشار این گزارش (۲۰۱۲) کسب کرده بود دارد.**

**سازمان عفو بین‌الملل در شهریورماه ۹۹ جمهوری اسلامی ایران را به نقض گسترده حقوق بشر در پی سرکوب اعتراضات سراسری آبان ماه ۹۸ متهم کرد. این سازمان حقوق بشری در گزارش خود به فهرست بلندی از رفتارهای بی‌رحمانه با بازداشتی‌ها و خانواده‌های آن‌ها اشاره کرده و تاکید می‌کند که پلیس، نیروهای اطلاعاتی و امنیتی، و مقام‌های زندان با هم‌دستی قضات و دادستان‌ها مرتکب مجموعه‌ای از موارد «تکان‌دهنده» نقض حقوق بشر شده‌اند.**

**طبق این گزارش حاضر، احکام ظالمانه اعدام و شلاق و رفتار غیرانسانی بر علیه کسانی که تنها به دلیل استفاده از حق آزادی بیان، در شهرهای مختلف ایران دستگیر شده‌اند اعمال شده است.**

**برای نمونه نوید افکاری، ورزشکار ۲۷ ساله پس از اعتراضات مردادماه ۹۷ شیراز در این شهر دستگیر شده بود. قوه قضاییه و دستگاه امنیتی، او و دو برادرش را به اعدام و زندان‌های طویل‌المدت محکوم کردند. نوید افکاری در روز ۲۲ شهریور ۹۹ در زندان عادل‌آباد شیراز اعدام شد.**

**نوید، حبیب و وحید افکاری پس از بازداشت به شدت شکنجه شدند تا علیه همدیگر شهادت بدهند. تا جایی که وحید افکاری زیر این شکنجه‌ها در زندان دو بار دست به خودکشی زد. نوید و وحید افکاری در فایل‌های صوتی از زندان شیراز اعلام کرده بودند که اقرار آن‌ها تحت شکنجه صورت گرفته است. در یک فایل صوتی دیگر که از بخشی از جلسات محاکمه نوید افکاری منتشر شده او می‌گوید که گزارش پزشکی قانونی درباره شکنجه‌اش موجود است و برای ادعایش شاهد دارد. قاضی پرونده اما درخواست او برای احضار شاهد شکنجه‌ شدنش در اداره آگاهی شیراز را رد کرد.**

**امیرحسین مرادی، محمد رجبی و سعید تمجیدی در تمام دادرسی‌ها اعتراض کرده‌اند که اعترافات از آنان تحت شکنجه گرفته شده است و تحت شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها از جمله ضرب و شتم و شوک الکتریکی قرار داشته‌اند.**

**هم‌چنین یکی دیگر از این معترضان دی‌ماه ۹۶ به نام مصطفی صالحی نیز به اتهام قتل یک نیروی امنیتی در مردادماه ۹۹ اعدام شد. علاوه بر این در سال گذشته در شهرهای مختلف ایران، احکام اعدام برای دستگیرشدگان اعتراضات دی‌ماه ۹۶، مرداد ۹۷ و آبان ۹۸ صادر شده است.**

**احکام اعدام بر علیه معترضان با استناد به اتهام‌های مبهم صادر شده است. محکومان از دسترسی به وکیل محروم بوده و برای اعترافات اجباری زیر شکنجه قرار گرفته‌اند.**

**نهاد بین‌المللی «کمیته حفاظت از روزنامه‌نگاران» نیز روز جمعه اول فروردین ۹۹ در گزارشی نوشت، ثبات حکومت ایران در ماه‌های اخیر با اعتراضات گسترده و ساقط کردن هواپیمای مسافری اوکراینی در میانه تنش‌های تشدید شده با آمریکا تهدید شده است.**

**در ادامه گزارش گفته می‌شود که آخرین تهدید علیه جمهوری اسلامی شیوع ویروس جدید کرونا است که عالم‌گیر اعلام شده و در ایران، غیر از چین و ایتالیا، شدیدتر بوده است. مثل بحران‌های دیگر، مسئولان ایران این‌بار هم از طریق تشدید سانسور رسانه‌هایی که از قبل محدود شده‌اند پاسخ دادند.**

**به گفته این نهاد بین‌المللی مدافع حقوق روزنامه‌نگاران، غریزه مسئولان ایران به سرپوش گذاشتن بر اخبار بد، این بار در مواجهه با شیوع ویروس کوید‌۱۹ اما پیامدهای فاجعه‌باری برای بهداشت و سلامت عمومی در پی داشته است.**

**خانه آزادی یا فریدم هاوس در گزارش سالانه خود درباره آزادی اینترنت در جهان که در روز چهارشنبه ۲۳ مهرماه ۱۳۹۹ منتشر شد، این بار نیز از ایران به عنوان یکی از بدترین کشورها با کم‌ترین آزادی اینترنت نام برده است.**

**این گزارش به سرکوب معترضان در آبان ماه سال گذشته در ایران اشاره می‌کند و می‌گوید جمهوری اسلامی برای سرکوب اعتراض‌ها، دسترسی شهروندان خود به اینترنت را قطع کرد.**

**گزارش خانه آزادی می‌گوید برخی دولت‌ها به بهانه همه‌گیری کرونا بر شدت کنترل و سانسور اینترنت افزوده‌اند. در بخشی دیگر از این گزارش آمده است که ایران، روسیه و چین حوزه خصوصی شهروندان را نادیده گرفته و به بهانه حفظ امنیت، به اطلاعات حساس کاربران دسترسی دارند. گزارش خانه آزادی هم‌چنین نسبت به حرکت‌هایی در چین و ایران برای ساخت اینترنت داخلی و قطع ارتباط با دنیای آزاد ابراز نگرانی کرده است.**

**در یک سال اخیر، ‌ ایران چندین بار سعی کرد اینترنت را قطع کند.**

**نمونه‌هایی از سرکوب رسانه‌ها و فعالین فضای مجازی در ایران در سال جاری**

**رییس پلیس فتا تهران اعلام کرد، بیش از ۱۲۰ نفر از افرادی که در فضای مجازی فعالیت داشتند، توسط پلیس فتا تهران بازداشت شدند.‌(خبرگزاری حکومتی تسنیم، ۱۰ آبان ۱۳۹۹)**

**مدیر یک کانال تلگرامی در یزد به تشویش اذهان در فضای مجازی متهم و بازداشت شد. مرتضی ابوطالبی رییس پلیس فتای استان یزد، با اعلام این خبر گفت: کارشناسان پلیس فتا با توجه به اهمیت موضوع شناسایی متهم را در دستور کار خود قرار داده و تحقیقات فنی را در این زمینه آغاز نمودند که در کوتاه‌ترین زمان ممکن وی شناسایی و دستگیر شد.‌(وب‌سایت حکومتی فرارو، ۱۱ آبان ۱۳۹۹)**

**حسین اشتری فرمانده نیروی انتظامی تصریح کرد: نیروی انتظامی در برخورد با افرادی که در فضای مجازی اقدام به تشویش اذهان عمومی می کردند به خوبی ورود پیدا کرد و بیش از ۳ هزار تارنمای متخلف را شناسایی و با آن‌ها نیز برخورد کرد.‌(خبرگزاری حکومتی دانشجو، ۱۲ آبان ۱۳۹۹)**

**محمدرضا یزدی فرمانده سپاه تهران در نشستی خبری گفت، لشکر سایبری سپاه تهران متشکل از ۱۴۴ گردان سایبری در فضای مجازی اقدام به انجام کارهای آموزشی کرده‌اند.‌(خبرگزاری حکومتی ایلنا، ۲۷ آبان ۱۳۹۹)**

**خورشاد، رییس پلیس فتا مازندران گفت: طی رصدهای انجام شده ۸۴ صفحه متعلق به اراذل و اوباش و حامیان آن‌ها توسط پلیس فتا شناسایی و جهت سیر مراحل قانونی به پلیس اطلاعات و امنیت عمومی مازندران معرفی شدند.‌(وب‌سایت حکومتی باشگاه خبرنگاران، ۲۵ آبان ۱۳۹۹)**

**جواد حسینی‌کیا، عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس در پاسخ به این پرسش که آیا شما موافق رفع فیلتر توییتر هستید گفت، من با رفع فیلتر توییتر موافق نیستم. حسینی کیا درباره احتمال رفع فیلتر یوتیوب گفت، من فکر نمی‌کنم که چه یوتیوب و چه توییتر رفع فیلتر شوند، چرا که ظرفیت رفع فیلتر آن در کشور احساس نمی‌شود.‌(وب‌سایت حکومتی انتخاب، ۲۸ آبان ۱۳۹۹)**

**دبیر شورای نظارت بر سازمان صدا و سیما گفت: تبلیغ پیام رسان‌های خارجی مانند اینستاگرام در رسانه ملی خلاف است و اساسا به مصلحت و در شان رسانه ملی نیست. محمد حسین صوفی گفت، وظیفه شورای نظارت، نظارت بر اجرای قوانین و مقررات و ضوابط در سازمان صدا و سیما است و یکی از مواردی که ما نظارت می‌کنیم همین است که آیا مقررات در حوزه معرفی و تبلیغ پیام‌رسان‌ها انجام می‌شود یا خیر.‌(خبرگزاری حکومتی مهر، ۲۹ آبان ۱۳۹۹)**

**علی خاتمی نماینده ولی‌فقیه در استان زنجان گفت: امروز خواست رهبر معظم انقلاب، پیشرو بودن بسیج در عرصه‌های مختلف است.**

**او با بیان این‌که بسیج باید نقش خود را در فضای مجازی تقویت کند، افزود: بسیج باید به شکل جامع و هدفمند در فضای مجازی ورود پیدا کند.‌(خبرگزاری حکومتی مهر، ۱ آذر ۱۳۹۹)**

**موارد برشمرده شده از نقض آزادی عقیده و بیان در ایران، تنها گوشه بسیار کوچکی از واقعیت موجود است.**

**گزارشگران حقوق بشر در رسته حق آزادی اندیشه و بیان در سال ۲۰۲۰**

**طبق آمار، گزارشگران حقوق بشر در رسته حق آزادی اندیشه و بیان در سال ۲۰۲۰ تعداد ۸۸۳ گزارش توسط نهاد آمار به ثبت رسیده است، ۹۲۸ نفر دستگیر شدند، ۲۸۷ مورد احضار به مراجع قضایی- امنیتی، ۴ مورد توقیف نشریه و ۸ مورد مجرم شناخته شدن نشریات در حوزه اندیشه و بیان گزارش شده است.**

**در سال ۲۰۲۰ در این حوزه، برای ۴۲۰ نفر توسط مراجع قضایی ۲۲۲۷۱ ماه حبس صادر شد. از این میزان ۳۸۶ نفر به ۲۱۵۲۳ ماه حبس تعزیری و ۳۴ نفر به ۷۴۸ ماه حبس تعلیقی محکوم شدند.**

**[](https://image.mojahedin.org/images/2020/4/c47edbcd-4474-488a-936c-13d8c9cb013e_690.jpg?1&fp=2020-4&ex=.jpg)**

**هم‌چنین ۳۴ نفر به صد و نود و یک میلیارد و هفتصد و شصت و پنج میلیون ریال جریمه نقدی، ۸۵ نفر به ۵۸۴۴ ضربه شلاق و ۲۱ مورد محرومیت از حقوق اجتماعی محکوم شدند. از سوی دیگر ۴۰ مورد تفتیش منزل به ثبت رسیده است.**

**رضا خندان‌(مهابادی) عضو هیات دبیران کانون نویسندگان در گفت‌و‌گو با بی‌بی‌سی فارسی**

**رضا خندان‌(مهابادی) عضو هیات دبیران کانون نویسندگان در گفت‌و‌گو با بی‌بی‌سی فارسی گفت کانون تنها تشکیلات مستقل نویسندگان و روشنفکران ایران در نیم قرن اخیر ایران است و تنها تشکیلات مدافع منافع آن‌ها.**

**خندان گفت: «در بیان میزان اهمیت و تاثیر این کانون همین بس که حاکمیت همواره اعضای این کانون را تحت فشار گذاشته تا جایی که حتی چندنفر از اعضای این کانون را کشته است. طبیعتا اگر این کانون و فعالیت‌هایش بی‌اثر بود کاری به کارش نداشتند؛ چون موثر و معتبر و خوشنام بوده مدام تحت فشار بوده است.»**

**خندان در پاسخ به این انتقاد که کانون نویسندگان کار سیاسی می‌کند گفت: «این‌ها تبلیغات منفی است و کسانی که این را می‌گویند و به آن باور دارند که یا کانون را نمی‌شناسند یا گوششان به تبلیغات حکومتی است یا غرض‌ورزند چون کانون بارها اعلام کرده که کار سیاسی نمی‌کند ولی فکر سیاسی دارد.»**

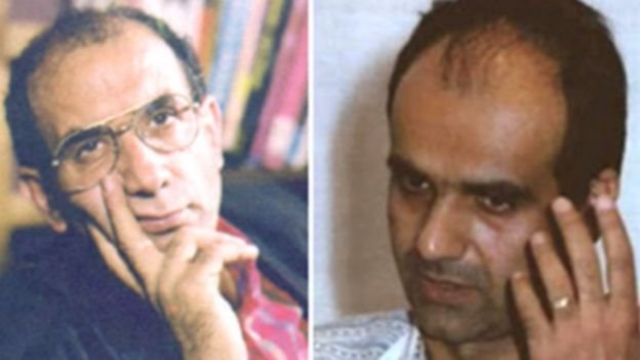
**عضو هیات دبیران کانون نویسندگان در توضیح گفت: «احزاب به این معنا سیاسی هستند که می‌خواهند صاحب قدرت سیاسی بشوند و در حکومت سهم بگیرند. اعضای کانون نه تنها خواهان سهم‌گیری نیستند که افکار سیاسی مشترک هم ندارند، تنها اشتراک‌شان مبارزه با سانسور و دفاع از آزادی بیان است که لازمه کار ادبی و هنری و صنفی است؛ پس کانون کار سیاسی نمی‌کند اما از این‌ جهت فکر سیاسی دارد که دولت و حاکمیت آزادی بیانی را که کانون خواستار آن است سلب کرده است. به گفته خندان مبارزه با سانسور در ایران با حاکمیت و دولت گره خورده و کانون نویسندگان به این ترتیب، خواه‌ناخواه با نیرویی مواجه است که کار را سیاسی می‌کند.**

**خندان گفت: «با صدای بلند اعلام می‌کنم که مشکل سیاسی است.» وی گفت با این که اجازه ندادند کانون نویسندگان تریبون رسمی داشته باشد، کانون با استفاده از حداقل‌ها سرپا مانده است.**

**خندان ضمن تاکید بر این‌که نویسنده، اتم مجزا از جامعه نیست گفت در روزگاری که به عنوان مثال خانه سینما را بستند، صرف حضور کانون مستقل از دولت خودش تاثیرگذار است.**

**وی گفت اعضای کانون حرف انسان قرن بیست و یکم را زدند و برای آن هزینه دادند.**

**خندان درباره چشم‌انداز آزادی بیان در ایران گفت بعد از خیزش دی ماه احساس می‌شود که فضا تغییر کرده اما تا قانون در حمایت از آزادی بیان و مبارزه با سانسور تغییر نکند، تغییر عملی حاصل نمی‌شود. اگر تغییری بخواهد حاصل شود حاصل توازن قوا در جامعه خواهد بود. اگر نیروهای طرفدار آزادی بیان قدرت بیش تری بگیرند می‌توان به آزادی بیان خوش‌بین بود.‌‌(۳ اردیبهشت ۱۳۹۷ - ۲۳ آوریل ۲۰۱۸)**

****

**موخره**

**کانون نویسندگان ایران هم در دوره سلطنت محمدرضا پهلوی و هم در دوران دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی، فعالیت کانون نویسندگان با محدودیت‌هایی روبرو بوده است و اعضای آن از طرف حکومت تحت فشار بوده‌اند.**

**کانون نویسندگان ایران از زمان تاسیس با فشارهای امنیتی مواجه بوده و در دهه هفتاد چند تن از اعضای این نهاد به دست ماموران وزارت اطلاعات کشته شدند.**

**در سال ۷۳، ۱۳۴ نویسنده، شاعر، نمایش‌نامه و فیلم‌نامه‌نویس، محقق، منتقد و مترجم عضو کانون نویسندگان ایران، با انتشار متنی از آزادی اندیشه و بیان دفاع و به فضای بسته فرهنگی و سانسور اعتراض کردند. تعدادی از امضاء‌کنندگان بعدا امضای خود را پس گرفتند، برخی به قتل رسیدند برخی دیگر هم در ماجرای اتوبوس ارمنستان تا لب دره رفتند.**

**انتشار این نامه و تلاش‌های متعاقب آن برای احیای کانون نویسندگان ایران، احتمالا از دلایل به قتل رساندن اعضای این کانون بوده است.**

**محمد جعفر پوینده و محمد مختاری از روشنفکران سرشناس و اعضای کانون نویسندگان که در دهه ٧٠ به دست نیروهای امنیتی وقت به قتل رسیدند.**

**جمهوری اسلامی ايران از همان اولین روزهای بهار آزادی پس از انقلاب ۱۳۵۷، بستن روزنامه‌ها و زندانی کردن خبرنگاران و روزنامه‌نگاران و تهاجم به جنبش‌های اجتماعی و سازمان‌های سیاسی را آغاز کرد، تاکنون به طور سيستماتيک آزادی بيان و عقيده را سرکوب کرده‌ است.**

**در نتيجه تقریبا هیچ روزنامه‌ مستقلی در ایران معدودی باقی نمانده‌اند و آن‌هایی نيز مانده‌اند دایما در حال خودسانسوری شديدی هستند. بسياری از نويسندگان و روشنفکران يا از کشور خارج شده‌اند، يا در زندان هستند و يا از انتقاد دست کشيده‌اند. مقام‌های جمهوری اسلامی ايران در سال‌های اخیر هر چه بیش‌تر وب‌سايت‌ها و خبرنگاران اينترنتی را به منظور جلوگيری از انتقال اخبار و اطلاعات از طريق شبکه اينترنت مورد هدف خود قرار داده‌اند.**

**جمهوری اسلامی ایران به طور سيستماتيک وب‌سايت‌هايی که حاوی اخبار و تحليل‌های فرهنگی و سياسی از داخل و خارج ايران هستند را مسدود می‌کند.**

**قوه قضاییه جمهوری اسلامی انفرادی‌های دراز‌مدت توام با عدم امکان دسترسی به وکيل فضايی برای زندانیان ايجاد می‌کند که در آن زندانيان هيچ راهی برای مقابله با نحوه برخورد با آنان در زندان ندارند.**

**قوه قضایيه از جمله استفاده وسيع از شکنجه، حبس‌های طولانی و تکنيک‌های بازجويی خشونت‌آميز زندانی را وادار می‌سازد تا به کاری که انجام نداده اقرار کند و سپس آن را از تلویزیون منتشر می‌کند.**

**مامورین جمهوری اسلامی مجازند در خیابان‌ها مستقیما و با هدف کشتن به معترضین شلیک کنند و حتی آن‌ها کودک و پیر، زن و مرد را در خیابان‌ها بکشند.**

**شکی نیست که دولت و دیگر ارگان‌های حکومتی به هیچ‌وجه نباید در کار ادبیات و هنر دخالت کنند. کاهش شدید مخاطبان ادبیات و هنر فقط یکی از آثار چنین دخالتی است.**

**آن‌چه می‌تواند جلوی روش‌های اختناق‌آمیز و سانسور را بگیرد اعتراض فعال به آن است. از این زاویه بیانیه‌های‌ کانون نویسندگان ایران که به مناسبت‌های مختلف انتشار می‌یابند از اهمیت برخوردار است به ویژه که آشکارا خواهان «آزادی بیان و اندیشه» می‌شود.**

**این «آزادی بیان بی‌هیچ حصر و استثنا»ست که می‌تواند موجب شکوفایی و بالندگی هنر و ادبیات شود و از هرز رفتن و تباه شدن استعدادها و خلاقیت‌ها جلوگیری کند.**

**جامعه ایران زمانی صاحب نخستین روزنامه‌های خود شد که وضع اقتصادی درستی نداشت. در دهه سوم قرن ۱۸ که مطبوعات غرب آزادی خود را بازیافته و در حال پیشرفت بودند، سلطنت صفویه سقوط کرده و جامعه ما دچار خلاء قدرت شده بود. تشدید استبداد و جنگ‌های مختلف با حکومت عثمانی، اقتصاد کشور را ضعیف و زمین‌گیر بود. پس از سقوط نادرشاه افشار هم که ایران اصلا تا ۴۰  سال فاقد حکومت مرکزی بود. مجموع این معضلات باعث شده بود که در ایران برخلاف کشورهای غربی، آزادی نهادینه‌شده شکل نگیرد. ۱۰۰ سال از سقوط صفویه گذشته بود که تازه ما صاحب چاپ‌خانه و روزنامه شدیم ولی وضع معیشت مردم هنوز به حدی نرسیده بود که قدرت خرید مطبوعات و کتاب را داشته باشند.**

**۹۵  درصد کشور سواد نداشتند. باسوادها هم از خواندن می ترسیدند. علاوه بر این، جو سانسور و اختناق باعث شده بود همان عده معدودی که سواد داشتند نیز علاقه ای به خواندن روزنامه ها نداشته باشند چرا که از عواقبش می ترسیدند.**

**عامل بعدی اما خود مطبوعات بودند. در دوران مشروطیت همکاران مطبوعات فرزندان دولت بودند که اغلب شغل دوم‌شان کار مطبوعاتی بود. در دوران مشروطه آن قدر فشار سیاسی بر مطبوعات زیاد بود که امکان ادامه انتشار از آن ها سلب می‌شد. برای همین، روزنامه‌نگاری یک شغل متزلزل بود. همین باعث شده بود روزنامه‌نگاری به عنوان یک شغل و حرفه مستقل امکان ابراز وجود پیدا نکند و نتواند تشکل صنفی لازم و مقرارت شغلی مربوط به حرفه خود را تدوین کند.**

**با وجود تغییر و تحولات در جهان و ایران هنوز هم فقر فرهنگی و فقر اقتصادی و ساسنور و سرکوب در جامعه ما به شدت ادامه دارد. در واقع در مقاطع تاریخی مختلف هر بار جامعه ما توانستند گامی به سوی آزادی و برابری بردارند بلافاصله جلو حرکت و پیشروی آن‌ها توسط حکومت‌ها گرفته شده و اجبارا بهای سنیگین پرداخت کرده‌اند.**

**در هر صورت بحث سانسور یکی از مسائل عمده‌ای است که کانون نویسندگان ایران به طرز سیستماتیکی با آن درگیر است و به نظر هم نمی‌رسد که به این زودی‌ها خاتمه یابد!**

**همه شواهد نشان می‌دهد که سانسور و سرکوب در ایران هم‌چنان به شدت در کشور اعمال می‌شود و به هیچ‌وجه شرایط وضعیت برای کتاب‌خوانان یا نویسندگان و ناشران مناسب نیست. فیلتر سانسور امان آن‌ها را بریده است.**

**در چنین وضعیتی بسیاری از مترجمین کتاب‌هایی را برای ترجمه انتخاب می‌کنند که بسیار مورد توجه مخاطب بوده و اصطلاحا عامه‌پسند بوده‌اند. به هرحال مترجمین متعهدی هم هستند که کیفیت کارشان را پایین نمی‌آورند و کتاب‌هار ارزنده ای ترجمه می‌کنند که گاهی نتیجه کار آن‌ها در پشت دیوارهای سانسور می‌ماند و به دست جامعه نمی‌رسد.**

**برنامه‌های کانون اغلب در خانه‌ اعضا و دوستان آن برگزار می‌شود، چون که در سالن‌های عمومی به هیچ‌وجه به کانون مجوز نمی‌دهند که در آن‌جا برنامه‌های خود را برگزار کند. یعنی جمهوری اسلامی ایران به کانون نویسندگان یک جامعه بزرگ ۸۴ میلیونی ایران حتی اجازه نمی‌دهد یک مرکزی برای فعالیت‌ها و تجمعات فرهنگی و اجتماعی خود داشته باشد.**

**اما با این وجود در تمام مواردی که مسئله آزادی اندیشه و بیان در خطر می‌افتد یا در برابرش سد و مانعی ایجاد می‌شود کانون سریعا اعتراض می‌کند و تمام فعالیت‌های اعتراضی‌، تحصن‌ها، اعتصاب‌ها که مربوط به آزادی اندیشه و بیان هستند و اعمال سانسور از طرف حکومت در برابرش می‌ایستد و مقاومت می‌کند، با تمام این‌که واقعا جایی برای دفتر و دستک‌‌‌شان یا مجمع عمومی برگزارکردن یا جمع‌شدن ندارد.**

**این خصوصیت حاصل بیش از ۵۰ سال فعالیت کانون نویسندگان ایران است که در دو حکومت اغلب معترض به نابسامانی‌های جامعه‌ و سانسور و اختناق معترض بوده و دامنه‌ فعالیت خودش را گسترده کرده است، به ویژه در زمینه‌ آزادی اندیشه و بیان و مبارزه با سانسور که دوتا از اصول مهم منشور کانون است.**

**حتی روزنامه‌های اصلاح‌طلب هم از بیان و نوشتن بیانیه‌های کانون خودداری می‌کنند و خیلی‌خیلی که همت به خرج بدهند، ممکن است یک خط بنویسند که کانون یک بیانیه منتشر کرد. به همین دلیل سایت‌ها و مطبوعات خارجی به خصوص کانون نویسندگان ایران در تبعید و انجمن قلم ایران در تبعید است که همیشه یار و یاور کانون بودند و هستند و بیانیه‌های کانون را به اطلاع مردم جهان رسانده‌اند.**

**لازم به ذکر است بکتاش آبتین، رضا خندان مهابادی و کیوان باژن، سه تن از اعضای کانون نویسندگان روز شنبه ۵ مهر امسال پس از حضور در واحد اجرای احکام دادسرای اوین بازداشت و جهت تحمل دوران محکومیت خود به**[**زندان**](https://www.hra-news.org/2020/hranews/a-26763/)**اوین منتقل شدند.**

**پیش‌تر دادگاه تجدیدنظر استان تهران در تاریخ ۸ دی‌ماه ۹۸، این نویسندگان را مجموعا به ۱۵ سال و شش ماه زندان محکوم کرده بود.**

**گیتی پورفاضل، وکیل بازنشسته دادگستری و عضو کانون نویسندگان ایران نیز روز یک‌شنبه ۱۶ شهریور امسال پس از حضور در دادسرای اوین بازداشت و جهت تحمل دوران محکومیت ۲۷ ماهه خود به بند زنان زندان اوین منتقل شد.**

**بر اساس حکم صادره آرش گنجی به اتهام «اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی» به پنج سال، برای «تبلیغ علیه نظام» به یک سال و برای «عضویت و همکاری با گروهک مخالف نظام» به ۵ سال زندان محکوم شده است.**

**با این وجود همه آن‌چه که گفته شد تلاش‌هایمان را برای آزادی بیان و اندیشه و فعالیت متشکل برای همگان و هم‌چنین آزادی همه زندانیان سیاسی و اجتماعی به ویژه پنج عضو کانون نویسندگان ایران به طور پیگیر گسترش دهیم!**

**شکی نیست که رضا خندان‌(مهابادی) و هم‌وندانش، نویسندگانی جسور و مردمی هستند و به همین دلیل در دل میلیون‌ها مردم آزادی‌خواه و عدالت‌جو جای دارند. وی و بسیاری از زندانیان سیاسی، اندیشه و تفکر بالنده و والایی دارند و با تمام وجود خواهان استقرار آزادی، برابری و عدالت اجتماعی در جامعه‌مان هستند و تا کنون در این راه، آگاهانه از جان و زندگی‌شان مایه گذاشته‌اند. اما دیر نیست که میلیون‌ها مردم آزادی‌خواه با پیکار مستقل و همبستگی خود بار دیگر همانند سال ۱۳۵۷، در زندان‌ها را بگشایند و دست افشان و پایکوبان و سرودخوانان این پیکارگران راه آزادی بیان و اندیشه خود را آزاد کنند!**

**به خودمان، مبارزه‌مان، فردای روشن و رهایی کامل از تاریکی و تاریک‌اندیشی باور داشته باشیم!**

**دوشنبه بیست و دوم دی ۱۳۹۹ - یازدهم ژانویه ۲۰۲۱**